

مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های تربیت شهروندی و فضای مجازی و تحقیق با نگاهی بر فرصت‌ها و تهدیدها

لیلا داوودیان، مریم تانان* و علی ستاری^۲

چکیده

هدف این پژوهش تبیین مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای مجازی از طریق مقایسه تطبیقی آن با تربیت شهروندی در فضای حقیقی و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی فضای مجازی برای تربیت شهروندی است. این پژوهش با روش تبیینی-تحلیلی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که با گسترش و فراگیری فضای مجازی نوع خاصی از شهروندی با مؤلفه‌های خاص رخ می‌نماید که مستلزم تربیت ویژه مطابق با مؤلفه‌های مخصوص به خود است. شهروند فضای مجازی به دلیل حضور و مشارکت در شبکه‌ای از تعاملات مجازی که هویت‌های متغیر و متکثر از ویژگی‌های آن است، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاصی را در حوزه رفتار و هویت به خود می‌گیرد. تعهد اجتماعی که در فضای حقیقی با ارزش‌گذاری‌های اخلاقی همراه است، در فضای مجازی که ساختار نظام‌مندی از ارزش‌ها ارائه نمی‌شود، کاملاً فردی می‌شود. شهروند مطلوب در فضای مجازی علاوه بر کسب سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به مؤلفه‌هایی همچون آگاهی، پابندی به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، قانون‌مداری، عدالت‌محوری، مشارکت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری آگاهانه نیازمند است. تربیت شهروند فضای مجازی به پرورش شهروند نقاد و تقویت میل به یادگیری مادام‌العمر کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از ویژگی‌های متمایز فضای مجازی در جهت آموزش، پژوهش، گذران اوقات فراغت با کیفیت بالا، برای مشارکت فعال در امور اجتماعی راهگشا باشد. بنابراین به منظور کاهش تهدیدها و بهره‌مندی هر چه بیشتر از فرصت‌ها، شناخت مؤلفه‌های خاص تربیت شهروندی در فضای مجازی ضروری است.

کلید واژه‌ها: تربیت شهروندی، فضای حقیقی، فضای مجازی، فرصت‌ها، تهدیدها

۱. دانش آموخته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.

davoodianleyla@gmail.com

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.

banahan@alzahra.ac.ir

۳. استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.

alisattari@alzahra.ac.ir

DOI: 10.22051/jontoe.2020.31241.3038

https://jontoe.alzahra.ac.ir/article_5202.html

مقدمه

اهمیت شهروندی^۱ در دوران معاصر، به ویژه طی دو دهه اخیر، صاحب نظران را برآن داشته تا به میزان زیادی پیرامون این مفهوم بحث و بررسی کنند. اهمیت مفهوم شهروندی تا آنجاست که دارندورف^۲ دهه ۱۹۹۰ را با عنوان «دهه شهروندی»^۳ توصیف می‌کند (المعماری، ۲۰۰۹، به نقل از جمالی، طالبزاده و ابولقاسمی، ۱۳۹۲). بدینسان طی دو دهه گذشته مفهوم شهروندی مهم‌ترین مفاهیم در حوزه تحقیقات به شمار آمده و تاکنون از منظرهای گوناگون به آن نگاه شده است. ضرورت توجه به مفهوم شهروندی باعث شده تا صاحب نظران، ضرورت آموزش شهروندی را مطرح کنند. بسیاری از کشورها ضرورت توجه به آموزش شهروندی را از طریق محتوای مورد نظرشان از قبیل حقوق بشر، درک فرهنگ‌ها و اقوام مختلف، محیط زیست، سیستم‌های پارلمانی و دولتی و رأی‌گیری و انتخابات مورد تأکید قرار دهند، به نحوی که در برخی کشورها آموزش شهروندی در مدرسه و در قالب آموزش رسمی قرار گرفته است.^۴ نگاه به جایگاه مدارس در مطابقت با نیازهای اجتماع، در کنار توجه به شهروندی به عنوان مهارتی قابل تعلیم، باعث شد تا بعضی از «کشورها به مفهوم شهروندی و تربیت شهروندی در برنامه درسی توجه نمایند» (گیبوز^۵ و همکاران، ۲۰۱۳). برخی معتقدند که مدارس بیش از هر نهاد عمومی دیگر وظیفه تولید «شهروندان خوب» را برعهده دارد (مری^۶، ۲۰۱۸). در کنار تأکید بر مفهوم تربیت شهروندی به ویژه نقش مدرسه در پوشش دادن به اهداف آن، مفهوم «آموزش شهروندی جهانی» (GCE^۷) نیز تولید شده است، و سیاستگذاران و مربیان تربیتی در سطح جهانی به دنبال ادغام و یکپارچه‌سازی فعالیت‌های مربوط به آموزش شهروندی هستند (گورن و یمینی^۸، ۲۰۱۷)؛ لذا زمزمه تربیت شهروندی جهانی نیز به ادبیات شهروندی اضافه شده است.

1. citizenship
2. Darendorof
3. decade of citizenship
- ۴- این نتایج حاصل از طرح پژوهشی شولتز و همکاران (۲۰۱۰) است که در این راستا در ۳۸ کشور جهان انجام شد.
5. Geboers
6. Merry
7. Global Citizenship Education
8. Goren and Yemini



با توجه به مفهوم شهروندی و تحولات آن، تا رسیدن به مفهوم تربیت شهروندی جهانی و نیز با نظر به نسبتی که این مفهوم با تربیت برقرار می‌کند، سه نتیجه حاصل می‌شود. اول این که از دو دهه پیش تاکنون مفهوم شهروندی و توجه به آن به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده و روز به روز به اهمیت آن افزوده می‌شود. دلیل این ادعا، پوشش دادن اهداف شهروندی از طریق آموزش مدرسه‌ای و رسمی و در سطحی جهانی است. دوم آن که بهترین نهاد عمومی برای پوشش دادن به اهداف شهروندی، مدرسه و به عبارت دقیق‌تر نظام تربیت رسمی است. سوم آنکه گرایش به سمت تربیت شهروند جهانی، ضرورت داشته و اجتناب‌ناپذیر است. با مفروض قراردادن این که تربیت شهروندی از طریق مدرسه و در قالب رسمی انجام می‌شود، ما با نوعی از تربیت شهروندی سروکار داریم که در این تحقیق از آن به «تربیت شهروندی در فضای حقیقی» تعبیر می‌کنیم. در مقابل چنانچه تربیت شهروند در سطحی جهانی، صورت پذیرد، لاجرم تربیت، از پوسته ساختار رسمی و مدرسه‌ای بیرون آمده و جنبه‌ای غیر رسمی به خود خواهد گرفت. لذا با نوعی از تربیت شهروندی سروکار خواهیم داشت که در اینجا از آن به «تربیت شهروندی در فضای مجازی» تعبیر می‌کنیم. دلیل نام‌گذاری به تربیت شهروندی در فضای حقیقی از آن رو است که تربیت در فضای مدرسه، رو در رو و حقیقی بوده و همراه با روابط طبیعی و مستقیم، به وقوع می‌پیوندد. همچنین دلیل نام‌گذاری به «تربیت شهروندی در فضای مجازی» از آن رو است که تربیت در فضای مجازی در بعدی مجازی، همراه با روابط الکترونیکی و دیجیتالی شکل می‌گیرد. در ادامه در باب این ویژگی‌ها بیشتر توضیح خواهیم داد.

چالشی که در اینجا بروز می‌کند این است که در تربیت شهروندی مدرسه‌ای و رسمی، تربیت در حالت خوش‌بینانه در چارچوب قوانین و مقررات ملی و نیز مبتنی بر مبانی فکری، فلسفی، اجتماعی و فرهنگی مورد پذیرش و تأکید جامعه صورت می‌پذیرد. لذا این نوع از تربیت به میزان زیادی، مورد توافق همگان بوده و اغلب مخاطبان، اهداف، محتوا و فعالیت‌های آن را می‌پذیرند. در حالی که در «تربیت شهروندی در فضای مجازی»، چنین اتفاقی نمی‌افتد. لذا بیم آسیب‌ها، تهدیدها و مخاطرات فکری، فلسفی، اجتماعی و فرهنگی دور از انتظار نیست؛ چرا که تربیت در فضای مجازی، چالش‌هایی را در حوزه فرهنگ، اعتقادات، مبانی فکری و باورها ایجاد خواهد کرد. در این راستا تأثیر فضای مجازی بر هویت ملی، اجتماعی،

نظام ارزشی و ... توجه برانگیز است؛ و نیز ساختارها و فرایندهای مادی و معنوی مشترکان این فضا را دگرگون می‌سازد (خدایاری، دانشور حسینی و سعیدی، ۱۳۹۳)؛ و سبک زندگی نوجوانان و جوانان، رفتارها، نگرش‌ها، نظرات و دیدگاه‌های آن‌ها را تغییر می‌دهد (اکبری و اسکندری تبار، ۱۳۹۲). در این ارتباط، مسأله موجود این است که با مفروض قرار دادن اینکه فضای مجازی یک «مدنیت جدید» را به نمایش گذاشته است، در این صورت، مشخص نیست که این فضا با عملکردهای ضمنی که تا اینجا برشمردیم، چه نوع شهروندی و با کدام مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاص را تربیت می‌کند؟ همچنین آشکار نیست که این فضا، به مثابه عاملی تهدیدکننده، عمل می‌کند یا به عنوان یک فرصت، در تعلیم و تربیت جلوه‌گر می‌شود؟ لذا هدف این پژوهش ارائه تبیینی از مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای مجازی در مقایسه و تطبیق آن‌ها با مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای حقیقی؛ و نیز تصریح فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی در تربیت شهروندی است. متناسب با این هدف، روش تبیینی - تحلیلی انتخاب شد. زیرا «مطالعات مبتنی بر روش تبیینی می‌تواند از توصیف و پرداختن به «چیستی» پدیده آغاز و به سمت شناسایی دلایل واقعی رخداد یک پدیده حرکت کند. مطالعات تبیینی به سؤال‌های مربوط به «چرایی» و «چگونگی» اختصاص می‌یابد و علت‌ها و دلایل را جستجو می‌کند. این روش به منظور کشف و گزارش برخی از روابط میان جنبه‌های مختلف پدیده مورد مطالعه انجام می‌شود (بورو، ۲۰۱۸). بنابراین، این پژوهش درصدد است تا با رویکردی تطبیقی پس از بیان چیستی شهروندی و مؤلفه‌های آن، به تصریح چرایی و چگونگی این مؤلفه‌ها برای فضای مجازی و حقیقی اقدام کند و سپس از طریق تحلیل فلسفی، فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی برای تربیت شهروندی مقایسه شود. این مهم در قالب پاسخ به دو سؤال اساسی انجام می‌شود: ۱. مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای مجازی در مقایسه با فضای حقیقی چیست؟ ۲. فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی فضای مجازی در تربیت شهروندی کدام است؟

در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر که به مقوله شهروندی از منظر دانش تربیت نگاه می‌کند، جدیدترین پژوهش انجام شده در حوزه شهروندی، مربوط است به مطالعه موردی

یجی کیم^۱ (۲۰۱۹) در کره جنوبی؛ وی تربیت شهروندی را با نظر به ایدئولوژی‌ها، نابرابری‌ها و صدای معلم مطالعه کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: معلمان در تربیت شهروندی جهانی با تعدادی موانع؛ و ایدئولوژی‌های زمینه‌ساز این موانع مواجه هستند. ایدئولوژی‌های غالبی همچون نئولیبرالیسم، و رویکردهای غربی و اروپایی محور، تربیت شهروندی جهانی را به حاشیه می‌رانند. کیم در بخش انتهایی مقاله، از دیدگاه‌های غربی گنجانده شده در تربیت شهروندی جهانی انتقاد می‌کند. گورن و یمینی (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان «بازتعریف تربیت شهروندی جهانی: بررسی منظم مطالعات تجربی در مورد آموزش شهروندی جهانی (GCE)» و با هدف بررسی مطالعات تجربی صورت گرفته در باب آموزش شهروند جهانی و به شیوه طولی انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سیاستگذاران و مربیان تربیتی در سطح جهانی علاقه‌مند هستند تا فعالیت‌های آموزش شهروندی در سطح جهانی با یکدیگر هماهنگ بوده و در هم ادغام شوند. نتیجه این تحقیق نیاز به یکپارچه‌سازی فعالیت‌های تربیت شهروندی جهانی را در سطح بین‌المللی گوشزد می‌کند. کارول هان^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش و پرورش در تحقیقات تربیت شهروندی: یک دیدگاه مقایسه‌ای» گستره تحقیقات انجام شده در حوزه آموزش مدنی را به صورت مقایسه‌ای، بررسی می‌کند. این مقاله، بررسی اجمالی روشی است از روند انجام پژوهش در مورد تربیت شهروندی، به خصوص در کشورهای انگلیسی زبان؛ و نه تنها برای درک رابطه میان اشکال ملی و جهانی تربیت شهروندی، بلکه برای تشخیص حوزه‌های ممکن برای تحقیق نیز، که بعدها در مورد تربیت شهروندی جهانی امکان توسعه دارد، می‌تواند کمک‌کننده باشد.

مقاله «شهروندی جهانی و دانشگاه‌های جهانی، عصر وابستگی جهانی و جهان وطنی» (۲۰۱۵) برخی از انتقادهای مربوط به تربیت شهروندی جهانی را شرح می‌دهد که به عنوان «صلاحیت^۳» و «اجتماعی کردن^۴» شناخته می‌شود. با نگاه خاص به آموزش عالی، کارلوس آلبرتو تورس^۵ درباره دیدگاه‌های مختلف به تربیت شهروندی جهانی و اهداف آموزش عالی و

1. Yeji Kim
2. Carol Hahn
3. qualification
4. socialization
5. Carlos Alberto Torres

چگونگی تأثیر این دیدگاه‌ها بر سیاست‌ها و شیوه‌های آموزش عالی در سراسر دنیا بحث می‌کند. با برجسته کردن گفتمان‌های مختلف، استراتژی‌ها و معضلات، این متن، مقدمه خوبی درباره موضوع تربیت شهروندی جهانی در زمینه آموزش عالی ارائه می‌دهد. شاید گسترده‌ترین تحقیقی که به مبانی تربیت شهروندی توجه کرده است، از آن شولتز و همکاران (۲۰۱۰) باشد، که با عنوان «یافته‌های مقدماتی درباره تربیت شهروندی» زیر نظر انجمن بین‌المللی ارزیابی پیشرفت تحصیلی انجام شده است. این تحقیق، با هدف یافتن مفاهیم اساسی برای شهروندان انجام شده و نتایج آن حاکی از اهمیت زیاد مفاهیم حقوق بشر، درک فرهنگ‌ها و اقوام مختلف، محیط زیست، سیستم‌های پارلمانی و دولتی، و رأی‌گیری و انتخابات برای شهروندان است. اما پرستندترین مطالعات انجام شده در حوزه شهروندی و تربیت شهروندی جهانی در سال ۲۰۱۰، مربوط است به مقاله ونسا آندروتی^۱ با عنوان «به سوی ضداستعمارگرایی و تنوع در تربیت شهروندی جهانی». هدف این مقاله آن است که براساس قوم‌نگاری، ضدتاریخی‌گرایی، ضدسیاست‌گرایی در برنامه‌های آموزشی، امکان آموزش شهروندی جهانی را افزایش داده و از امکانات ضداستعمارگرایی، تنوع و اکولوژی دانش در تحقیقات، سیاست و پداگوژی تربیتی حمایت کند.

با توجه به نمونه‌های ارائه شده از تحقیقات انجام شده در حوزه شهروندی، مشخص می‌شود که این مقوله، پتانسیل تحقیقات گسترده و متنوعی را از ابعاد مختلف داراست. همانطور که ملاحظه می‌شود در تحقیقات خارجی، شهروندی جهانی به طور ضمنی به عنوان حقیقتی پذیرفته شده که نتیجه قهری گسترش فضای مجازی است و ضرورت دارد از جنبه‌های مختلف بررسی شود. براین اساس، پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی، به مقایسه مؤلفه‌های شهروندی در دو فضای مجازی و حقیقی اختصاص یافته است.

در ایران نیز تحقیقاتی در حوزه تربیت شهروندی انجام شده است. در این زمینه گاه پژوهش‌هایی با رویکردی تلفیقی، به شهروندی از منظر سیاست، حقوق و جامعه‌شناسی توجه کرده‌اند، که این خود نشانگر ماهیت میان رشته‌ای بودن مقوله شهروندی است. به عنوان نمونه ابراهیمیان و لطفی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مطالعه رابطه حقوق شهروندی با امنیت اجتماعی، مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران» نشان دادند که بین حقوق شهروندی و ابعاد

مختلف آن یعنی حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و امنیت اجتماعی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد. پژوهش منافی شرف‌آباد و دیگران (۱۳۹۴) حاکی از آن است که آموزش و پرورش دانش‌آموزان را نه فقط برای زندگی در جامعه خود و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، بلکه باید برای زندگی در جامعه جهانی تربیت کند و این امر جز از طریق تربیت شهروند جهانی در قالب فراهم کردن زمینه ایفای نقش‌های مناسب برای دانش‌آموزان در نمونه‌های شاخص شهروندی قابل اجرا در مدرسه، میسر نخواهد بود. این تحقیق صرفاً به ضرورت تربیت شهروندی جهانی اکتفا می‌کند و رویکردی تطبیقی برای مقایسه تربیت شهروندی در فضای حقیقی و مجازی ندارد و نیز به تهدیدها و فرصت‌های تربیت شهروند فضای مجازی نمی‌پردازد. قانلی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «تربیت شهروند آینده» نتیجه می‌گیرد که تربیت شهروند آینده از سه پدیده جهانی شدن، روندهای دموکراتیک و فناوری اطلاعات متأثر است. به همین لحاظ می‌توان گفت شهروند آینده باید حداقل دارای سه خصوصیت جهانی، دموکراتیک و فناوری باشد. این تحقیق به تأثیر تربیت شهروندی در بعد جهانی، دموکراتیک و فناوری اکتفا کرده است. لذا هدف آن تطبیق مؤلفه‌های تربیت شهروندی در دو فضای حقیقی و مجازی نبوده است.

در مقایسه پژوهش حاضر با پیشینه تحقیقاتی که مطرح شد، اولاً این پژوهش با رویکردی واقع‌بینانه و بدون سوگیری در مورد انواع تربیت شهروندی حقیقی و مجازی انجام شده؛ لذا تحقیقی بی‌طرف است. ثانیاً به دنبال تبیین و تفکیک مؤلفه‌های دو نوع تربیت شهروندی حقیقی و مجازی و مقایسه آن‌ها است. ثالثاً در پی تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی در تربیت شهروندی است. لذا در مقایسه با پیشینه پژوهش‌های مطرح شده در نوع خود تازه است.

مفهوم‌شناسی

تربیت شهروندی، تربیتی است که به توسعه و پرورش مهارت‌ها و قابلیت‌ها و توانمندی‌های شهروندان منجر می‌شود. چنین تربیتی الزاماً در ارتباط با اعضای جوامع و ملت‌های خاص قابل درک است؛ زیرا در هر جامعه‌ای ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل می‌شود و فلسفه تأسیس

نظام‌های تربیتی، پرورش چنین شهروندانی است (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۲). تربیت شهروندی مفهومی کلی است که به مطالعات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه وابسته است و می‌توان آن را آموزش شیوه‌های مسالمت‌آمیز زندگی به‌طور خاص در یک جامعه (شهروندی ملی) یا به‌طور عام در جامعه جهانی (شهروندی جهانی) دانست (سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۹۴).

اما فضای مجازی یا سایبری با واژه فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، ارتباط نزدیکی دارد و به‌نوعی زاینده آن است. بر اساس تعریف^۱ OECD، در سال ۱۹۹۸، فاوا به مجموعه فناوری‌هایی اطلاق می‌شود که امکان ذخیره‌سازی، پردازش، ارائه و انتقال را فراهم می‌کند (الوانی، خنیفر، حاجی ملا میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۵). بنابراین، تعریف مورد نظر ما از فضای مجازی، تعریفی است که بیش از هر چیز دیگر در وجه فناورانه و ارتباطی آن تأکید دارد و به عبارتی دیگر منظور از فضای مجازی محل تلاقی فناوری کامپیوتر و رسانه‌های ارتباطی و در یک کلام رسانه‌های ارتباطی کامپیوتری است.

ضرورت توجه به تربیت شهروندی فضای مجازی در نظام تربیتی

محیط فیزیکی و تربیتی مدرسه، جامعه مدنی کوچکی است که می‌تواند با ایجاد محیطی باز، آزاد، غنی و مطمئن به لحاظ یادگیری، سبب رشد عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان شده و در آموزش مهارت‌های شهروندی نقش به‌سزایی داشته باشد. تربیت شهروندی نه تنها بنیاد تعلیم و تربیت رسمی است، بلکه انتقال ارزش‌های فرهنگی نیز از طریق تربیت شهروندی انجام می‌شود. بدین ترتیب تربیت شهروندی با سیستم ارزش‌های فرد سرورکار دارد (هوای لی، ۲۰۰۵، به نقل از چناری، ۱۳۸۷). مدرسه به عنوان بخشی از آموزش و پرورش رسمی برای آماده‌سازی افراد به‌منظور ایفای نقش شهروندی از دو نوع برنامه درسی رسمی و پنهان استفاده می‌کند. در برنامه درسی پنهان ممکن است آموزش‌های شهروندی در دروسی مثل ریاضیات، فیزیک، املاء، انشاء و سایر دروس به صورت غیر رسمی به دانش‌آموزان ارائه شود. بنابراین، برنامه درسی پنهان در زمینه‌هایی چون دریافت زندگی در بافت اجتماعی، رشد عاطفی - اجتماعی و پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت بر رفتار شهروندی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد

(برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷: ۴۱). فعالیت‌های فوق برنامه مکمل آموزش‌های رسمی و برنامه درسی پنهان هستند و به صورت مشارکت عملی دانش‌آموزان در امور مدرسه نمودار می‌شود. «تجانس زیادی بین اهداف فعالیت‌های فوق برنامه و اهداف تربیت شهروندی وجود دارد در هر دو، هدف‌های کلی مثل استقلال، رعایت حقوق دیگران، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و مانند آن را در زمره اهداف خود دارند. لذا برنامه‌ریزی فعالیت‌های فوق برنامه برای تربیت اجتماعی و سیاسی اهمیت مضاعف می‌یابد. فعائیت‌های فوق برنامه بر فعالیت‌های ارتجالی و طبیعی یادگیرندگان مبتنی است و لذا دانش‌آموزان برای مشارکت در این نوع فعالیت‌ها از انگیزه و علاقه بیشتری برخوردار می‌شوند» (فرمهبینی، ۱۳۹۵: ۸۶). تشکیل انجمن‌های دانش‌آموزی، نشریات دیواری، برگزاری نمایشگاه‌ها، شرکت دربازدیدهای علمی و اردوهای تفریحی، شرکت در سرودهای دانش‌آموزی از جمله فعالیت‌های فوق برنامه است. گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در سال‌های اخیر حیات بشری را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحت تأثیر قرار داده است. ارتباط دو سویه در اینترنت، روابط بین شهروندان، احزاب، رسانه‌های جمعی، گروه‌های فرهنگی، سازمان‌های مدنی و غیر حکومتی را تقویت و تحکیم کرده است.

روند استفاده از اینترنت به ویژه شبکه‌های اجتماعی رو به فزونی است. در این میان جوانان و نوجوانان اقبال بیشتری نسبت به تکنولوژی‌های جدید دارند و زمان زیادی از اوقات فراغت خود را در این شبکه‌ها صرف می‌کنند. این مطلب بیان‌کننده این است که «شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث تغییر اساسی در نهاد‌های هویت‌ساز شده و عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییر می‌کنند» (معمار و دیگران، ۱۳۹۱). گسترش صنعت ارتباطات در فضای مجازی، نقش منابع هویت‌ساز سنتی و معمول نظیر سرزمین، زبان بومی و محلی کشور، فرهنگ و نژاد را در جوامع تضعیف کرده و در خلاف جهت سنت و فرهنگ ملی و بومی حرکت می‌کند (اکبری تبار و اسکندری‌پور، ۱۳۹۲). به بیانی دیگر این فناوری‌ها به واسطه فشردگی زمان و مکان و فضا مندم شدن زندگی اجتماعی، بر کارکرد هویت‌سازی منابع هویت، خصوصاً فرهنگ، تأثیر گذاشته است و با برهم ریختن فضای انحصاری و از بین بردن مصنوعیت فرهنگ‌ها، قابلیت‌ها و توانایی آن‌ها در زمینه هویت‌سازی سنتی را کاهش می‌دهد (عدلی‌پور، قاسمی و میر محمد تبار، ۱۳۹۳: ۹). از این رو بحران هویت به عنوان یک پیامد مهم گسترش شهروندی مجازی

مطرح می‌شود. بحرانی که به بخش‌های مختلف نظام اجتماعی و از جمله نظام تعلیم و تربیت تسری می‌یابد؛ و لذا ضرورت بازاندیشی و تأمل دوباره درباره وظایف و اهداف نظام تربیتی به‌ویژه در بعد تربیت شهروندی را دو چندان می‌کند.

با رواج هرچه بیشتر فناوری اطلاعات در صورت‌های مختلف آن، که همگی دارای نقش آموزشی و تربیتی هستند، تعلیم و تربیت محدود به مکانی به نام مدرسه نخواهد بود و نقش عوامل انسانی در تعلیم و تربیت کاهش می‌یابد. در حال حاضر جامعه انسانی با دو جهان موازی مواجه است. جهان حقیقی که در آن زندگی و فعالیت فردی و اجتماعی عینی جریان دارد و جهان مجازی که انسان را در برابر جذابیت‌های مختلف همراه با گره‌ها^۱ و لینک‌های مجازی قرار می‌دهد. جهان مجازی همگام با جهان حقیقی و شاید بیشتر از آن بر وجود آدمی و باورهایش اثر می‌گذارد و فرد می‌تواند فعالیت‌های جهان حقیقی خود را به آن وارد کند. بنابراین، در حال حاضر تربیت شهروندی تنها مربوط به فضای حقیقی نیست؛ بلکه برای شهروندان فضای مجازی هم ضرورت پیدا می‌کند.

یافته‌ها

مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای حقیقی

مؤلفه‌های شهروندی عبارت است از اصول و قواعدی که هر شهروند در جهت‌دهی به فعالیت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و روابط خود با اجتماع آن را لحاظ می‌کند. به عبارت دیگر مؤلفه‌های شهروندی در بستر روابط شهروندی هویدا می‌شود. به عنوان مؤلفه‌های شهروندی می‌توان دانایی محوری، تمرکز بر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، قانون‌مداری، عدالت، مشارکت و مسئولیت‌پذیری را نام برد (شرقی و طاهریور، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۲).

در عصر ارتباطات، داشتن آگاهی و بینش از اهمیت زیادی برخوردار است و گام اول برای مشارکت مدنی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. شهروندان برای تصمیم‌گیری‌های مهم مدنی به بالا بردن میزان آگاهی‌های خود در زمینه‌های سیاسی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی نیاز دارند، زیرا تحقق مردم‌سالاری به وجود شهروندان

آگاه بستگی دارد که علاوه بر آگاهی کافی، توانایی تجزیه و تحلیل و استدلال را نیز داشته باشند. فرهنگ یکی از مفاهیم ارزشمند جامعه بشری است و از مهم‌ترین ابزارهایی است که باعث ایجاد وحدت و یگانگی در درون جامعه می‌شود. «شهروندان در تعامل با نهادهای اجتماعی بر اساس ارزش‌های فرهنگی، به یک هویت شهروندی مشخص دست خواهند یافت» (همان: ۵۳). حاکمیت قانون نیز به رفتارهای افراد و نهادها نظم می‌بخشد و فضای امن برای پیش برد برنامه‌های توسعه‌ای فراهم می‌آورد. «در بستر جامعه، فرد به عنوان یک شهروند تلاش می‌کند قوانین را حتی اگر مغایر با نفع شخصی او باشد، در زندگی به کار گیرد. قانون مداری به معنای گردن نهادن به روال‌ها و منفعل بودن نیست؛ قانون‌مداری فرایند بسط شعور شهروندی برای وصول به اهداف کلان اجتماعی، از طریق رعایت حقوق فردی و جمعی است و تلاش منطقی برای اصلاح هرگونه قانونی که مانع پیشرفت اجتماعی یک کشور است» (همان: ۵۴). مهم‌ترین هدف قوانین بشری ایجاد فضای امنیت و آرامش برای بهره‌مندی همه شهروندان از امکانات اجتماعی است.

از دیگر مفاهیم بنیادین شهروندی، مفهوم عدالت است. برقراری عدالت اجتماعی مستلزم رعایت حقوق شهروندی است که به معنای پاسداشت حقوق انسانی همه اعضای جامعه است. «عدالت در برابر ظلم (بایمال کردن حق دیگران) همان عدالت اجتماعی است که همواره باید در قوانین بشری رعایت شود» (مطهری، ۱۳۷۷: ۸۲-۷۲).

مشارکت در مفهوم عام، شرکت در فعالیت یا حضور در گروه یا سازمانی جهت تصمیم‌گیری و پذیرش نقش‌هاست. امور مردم باید با حضور مردم پیش رود. آن چه مورد نظر است مشارکت فعال یعنی حضور آگاهانه در عرصه اجتماع است؛ ویژگی چنین حضوری، خیرخواهی همراه با تفکر و تعقل است. چرا که حضور ابلهانه، حرکتی ویرانگر و نابودکننده است (فرمینی، ۱۳۹۰: ۲۳۲-۲۳۱). مشارکت شهروندان در امور جامعه یکی از ارکان اساسی جوامع مدنی است و بستر لازم برای مشارکت و مسئولیت‌پذیری آگاهانه شهروندان، از طریق فرصت‌دهی و مشارکت‌جویی دولت‌ها و نهادها را فراهم می‌کند. تربیت شهروندی مستلزم مسئولیت‌پذیری تمام اعضای جامعه در قبال یکدیگر است. در این حالت، فردیت جایگاهی ندارد. تربیت شهروندی در فضای حقیقی مستلزم شرکت در فرایندهای گفتگوی چهره به چهره و بالابردن تعاملات رو در رو میان شهروندان است که زمینه افزایش همدلی، نوع‌دوستی

و انسجام ملی را فراهم می‌آورد. زندگی حقیقی، مستلزم همزیستی مسالمت‌آمیز است و این در گرو، داشتن روحیه تساهل و تسامح و تقویت روحیه بردباری و افزایش سطح تحمل عقاید و عملکردهای مخالف است. شاید بتوان گفت اولین مرحله آموزش شهروندی در فضای مدرسه‌ای و در چارچوب نظام‌های آموزشی انجام می‌شود که در آن ضمن آموزش محتوای درسی، انتقال میراث فرهنگی و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان هم محقق می‌شود.

مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای مجازی

ویژگی‌های خاص فضای مجازی، با برخی از رویکردهای نوین حوزه فلسفه سنخیت دارد؛ و از آن جمله می‌توان به فضای ریزوماتیک^۱ اشاره کرد. «تکثر و چندگانگی از اصول ریزوم محسوب می‌شود. چندگانگی به معنی جمع شدن تمامی نقاط گوناگون به دور هم به نحوی است که حاصل آن ایجاد یک کل ریزوماتیک است» (سجادی، ایمان‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۰). در یک مجموعه ریزومی اموری کنار هم قرار می‌گیرند که با همدیگر لزوماً هم‌رنگ و هم‌گون نیستند و به زایش دست می‌زنند. در تناظر با این نگاه، فضای مجازی با تمام تنوع‌ها و پیچیدگی‌هایش قرار دارد. جهان اینترنت که با فشردگی زمان و مکان تاریخی و کنار هم قرار دادن آگاهی‌های گوناگون، شبکه‌ای در هم تنیده از اطلاعات ایجاد کرده است، ترسیم‌کننده فضای پویا و سرزنده ریزومی است.

فضای مجازی با ایجاد فضای عمومی، دامنه ارتباطات را زیاد کرده است؛ اما در عین حال گسترش فضای خصوصی برای کاربران را نیز به همراه داشته است. فردی که اوقات زیادی از خود را در فضای خصوصی مجازی صرف می‌کند، در حالی که در آنجا همه چیز طبق علایق او سازمان یافته، در فضای حقیقی هم، چنین شرایطی را طالب است. در این خصوص باید گفت فضای مجازی دو عملکرد معایر هم داشته است. بر این اساس شهروند فضای مجازی بر فردگرایی و جمع‌گرایی تأکید دارد. با وجود این شهروند فضای مجازی،

۱. مفهوم ریزوم اساساً مربوط به علوم زیستی است و اشاره به برخی گیاهان دارد که دارای ریشه‌های پنخس شونده در سطح هستند، همچون گیاه سیب زمینی، ژیل دنوز برای اولین بار از این اصطلاح در برابر ماهیت سلسله مراتبی تفکر غرب استفاده کرد که در حوزه معرفت‌شناسی، نمودار درختی را تداعی می‌کند، تا از این طریق شیوه‌های نوین تفکر دوران پست مدرنیسم را معرفی کند که فضایی سرشار از کثرت‌ها و عدم اتکاء به یک نقطه و مرکز برای حرکت فکری و معرفتی را ایجاد کرده است.



گفتگو طلب است. میل به گفتگو در قالب صوت، متن و تصویر بیش از سایر صورت‌های تعامل انسانی مورد توجه او است و از توانمندی‌های شهروند فضای مجازی محسوب می‌شود. گفتگو در فضای مجازی با ویژگی‌های شخصیتی بسیاری از کسانی مطابقت دارد که درون‌گرا و انزوا طلب هستند و روحیه خجالتی دارند. ویژگی فرامتنی اینترنت که هر صفحه از آن را به صدها صفحه دیگر لینک می‌کند و آزادی عمل، قدرت انتخاب کاربر را بالا می‌برد و جاذبه زیادی برای شهروند فضای مجازی ایجاد می‌کند که به همراه نظارت پذیری کم‌تر و احساس آزادی گسترده‌تر، زمینه حضور بیشتر کاربران را فراهم می‌کند.

از منظر معرفت‌شناسی می‌توان گفت اطلاعات متنوع و در دسترس فضای مجازی، موجب بالا رفتن سطح آگاهی‌های عمومی می‌شود. تعاملی بودن فضای مجازی این فرصت را برای کاربران اینترنتی فراهم می‌کند که فرصت اعلام آراء خود را داشته باشند و از نظرات دیگران مطلع شوند. در عین حال شهروند فضای مجازی در میان انبوهی از اطلاعاتی سرگردان است که تشخیص صحت و سقم آن‌ها به دلیل فقدان معیار و مرجع دقیق، بسیار دشوار است. در واقع نسبت به کسب معرفت، دچار تردید می‌شود. لذا ویژگی معرفتی فضای مجازی را می‌توان شامل تنوع بالا با درجه اعتباری نسبتاً ضعیف دانست.

یکی از ویژگی‌های فطری بشر، اختیار، آزادی و قدرت انتخاب‌گری است. او در مقابل انتخاب خود مسئولیت دارد؛ برای این اساس می‌تواند تعیین هدف و ترسیم مسیر دستیابی به هدف خویش را به عهده گیرد. او هنگامی می‌تواند چیزی را انتخاب و اختیار کند که نسبت به آن آگاهی، تمایل و قدرت داشته باشد و زمینه انتخاب فراهم باشد. در فضای مجازی، آزادی و قدرت انتخاب انسان بیشتر از فضای حقیقی است و با گزینه‌های متعددی مواجه است، از این رو تنوع‌طلبی در او رشد می‌کند. برای چنین انسانی تحقق آزادی بیشتر و تنوع بیشتر، مطلوب‌تر است. دنیای مجازی بسیار وسیع‌تر از دنیای حقیقی است؛ و سرعت انتشار اطلاعات در آن بسیار بالاست و اطلاعات برای همیشه در آن باقی می‌ماند و فراموش نمی‌شود. در جهان مجازی نتایج هر فعلیتی، ابعاد گسترده‌تری دارد.

از ویژگی‌های فطری دیگر، ارزش‌مداری است. اساساً آدمی به زیبایی‌ها، فضایل اخلاقی، کمال و معرفت به عنوان نمونه‌هایی از ارزش نظر دارد؛ اما نوع تعریف از ارزش‌ها برای شهروند فضای مجازی متفاوت از شهروند جهان حقیقی است. زیبایی‌های فضای مجازی

بیشتر زیبایی‌های بصری است و زیبایی‌های اخلاقی آن، در بیشتر موارد فراتر از ارسال پیام‌های اخلاقی نیست؛ در حالی که شهروند فضای حقیقی ابعاد بسیار مختلفی از زیبایی را ادراک می‌کند، وی در ارتباط با دیگران، معنای زیبایی را در همدلی، ایثار، گذشت و انسانیت می‌یابد. آنچه که تحت عنوان تعهد اجتماعی در فضای زندگی حقیقی، فرد را با معیارهای اصیل انسانی و اخلاقی مواجه ساخته و امکان ارزش‌گذاری‌های اخلاقی را فراهم می‌آورد، در فضای مجازی تبدیل به تعهدهای فردی می‌شود. از منظر اسلامی «ارزش‌ها بر اساس میزان اثربخشی در حصول به کمال و تعالی انسانی دارای انواع و مراتب مختلفی هستند که متعلق شدن به هر کدام، مرتبه اخلاقی متفاوتی را برای انسان رقم می‌زند. انسان‌ها بر مبنای فطرت، و به طور غیر اکتسابی دسته‌ای از امور را پسندیده و دسته دیگر را ناپسند می‌شمارند؛ و این نگرش در میان تمامی انسان‌ها، صرف نظر از تفاوت‌های نژادی، فرهنگی و قومی عمومیت دارد» (بناهان، ۱۳۹۵: ۱۹۰). این درحالی است که شبکه ریزومی فضای مجازی که با ارتباطات چندگانه و همه جانبه، کثرت‌گرایی و چندگانگی را برای انسان به ارمغان می‌آورد، ساختار نظام‌مندی از ارزش‌ها ارائه نمی‌دهد و از این منظر ارزش‌ها متغیر، متکثر و فردی هستند و نمی‌توان در چنین فضایی از اصول اخلاقی یگانه و ثابت سخن گفت. بنابراین، تعلیم و تربیت در فضای مجازی که در آن هر شهروند بر اساس تشخیص خود عمل می‌کند، معیارهایی چون دین، فرهنگ و سنت نمی‌توانند جایگاه مستحکمی داشته باشند. از این رو می‌توان گفت در فضای مجازی انسان‌ها خود راهبر هستند و هرکس بر اساس فهم شخصی خود عمل می‌کند و معنای زندگی ایده‌آل خویش را می‌سازد. از سوی دیگر در چنین دیدگاهی سخن گفتن از اهداف از پیش تعیین شده محلی از اعراب ندارد، چرا که ویژگی‌های خاص فضای مجازی، مانعی بر سر راه تعیین هدف، به ویژه اهداف غایی است.

پس باید توجه داشت که مؤلفه‌های شهروندی، قواعدی هستند که به فعالیت‌های شهروند جهت می‌دهند. بنابراین، می‌توان گفت مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای حقیقی یعنی داشتن آگاهی و اطلاعات، پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، قانون‌مداری، عدالت‌محوری، مشارکت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری آگاهانه، برای شهروندان فضای مجازی هم لازم و مطلوب است؛ ولی ویژگی‌های فضای مجازی سبب می‌شود، مرجع مشخصی برای این مؤلفه‌ها، برای شهروندان وجود نداشته باشد؛ و هر کس بنا به تشخیص خود این مؤلفه‌ها را



تعریف و به آن عمل کند. با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت به مؤلفه‌های مطلوب برای شهروندان فضای مجازی، چهار مؤلفه دیگر شامل پرورش شهروند نقاد؛ تقویت میل به یادگیری مادام‌العمر؛ کسب سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی باید اضافه کرد. این چهار مؤلفه با یکدیگر مرز مشترک دارند که در ادامه این اشتراک تصریح می‌شود:

شهروند مطلوب، نیازمند مهارت‌ها و صلاحیت‌های تفکر انتقادی است، تا قدرت تجزیه و تحلیل، ارزیابی و قضاوت نسبت به شرایط زندگی خود را داشته باشد؛ و به طور مؤثر، عینی و ملموس به ارزیابی مشکلات اقدام کند و تصمیم‌گیری معقول و مستدلی اتخاذ کند. بنابراین، تفکر انتقادی تفکر اصلاح‌گر است، به طوری که بر کشف نقاط ضعف و اصلاح کاستی‌های افراد تأثیر می‌گذارد (امام وردی، نیستانی، ۱۳۹۲: ۲۱). از این رو آموزش تفکر انتقادی، هم قدرت تحلیل مسائل گوناگون، و هم قدرت تحمل عقاید مخالف را در فرد افزایش می‌دهد، و زمینه مشارکت اجتماعی و افزایش انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند؛ به این ترتیب، تربیت شهروندی در حیطه توانایی مدنی به خوبی شکل می‌گیرد.

تغییرات سریع فناوری، در کنار افزایش اطلاعات، ناپایداری اطلاعات را به همراه دارد؛ لذا این امر مستلزم یادگیری پیوسته و تطبیق فعال آموخته‌ها با شرایط پویای زندگی است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸). آموزش مادام‌العمر امکانات آموزش را در سرتاسر عمر پراکنده می‌کند تا فرد بتواند متناسب با تغییرات روزمره زندگی و همراه با آن‌ها آموزش ببیند. این آموزش با سه هدف توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی و توسعه حرفه‌ای همراه است.

سواد رسانه‌ای یعنی شناخت و درک چرایی پیام‌های خاص برای درک اهمیت رسانه‌های کنونی. باید فلسفه تولید هر پیام، شرایط و محدودیت‌های حاکم بر آن‌ها و حتی سازنده هر کدام از پیام‌ها را بشناسیم (بصیریان و بصیریان، ۱۳۸۵: ۳۶-۳۳). افراد با سواد رسانه‌ای به همراه تفکر نقاد در برابر اطلاعات رسانه‌ای آسیب‌پذیری کم‌تری دارند؛ زیرا پیام‌هایی را که به‌منظور تأثیرگذاری بر آن‌ها طراحی و ارسال شده، در سطوح مختلف شناسایی می‌کنند. «هدف سواد رسانه‌ای هوشیار کردن، اختیار بخشی و آزادسازی مخاطب است. یکی از پیامدهای تحلیل و درک صحیح پیام‌های رسانه‌ای، بالا رفتن سطح آگاهی است که می‌تواند به ایجاد ارتباطات اجتماعی سالم‌تر با رسانه‌ها، و تقویت ساختارهای دموکراتیک جامعه منجر شود و شهروندان می‌توانند از این طریق به مشروع‌سازی گزینه‌های سالم‌تر در رسانه کمک

کنند، چرا که یک شهروند فعال و باسواد می‌تواند در ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت، فعالیت کند و عکس‌العمل خود را در برابر رسانه‌ها اعلام کند و تنها بیننده صرف نباشد» (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۱۴). «هدف غائی هر برنامه سواد اطلاعاتی، نه تنها آموزش بلکه تبدیل آموزش گیرنده به یک یادگیرنده فعال و تقویت مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر در او است» (طبرسا، شریفی و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). در چنین عصری این مهارت‌ها، پایه و اساس آینده جامعه آگاه را تشکیل می‌دهد. بدیهی است افزایش آگاهی شهروندان، تحقق اهداف شهروندی را به دنبال خواهد داشت.

جدول ۱: مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای حقیقی و فضای مجازی

مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای حقیقی	مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای مجازی
دانی محوری	دانی محوری و داشتن آگاهی و اطلاعات
پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی	پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و فردی
قانون‌مداری و تبعیت از قوانین اجتماعی	قانون‌مداری و تبعیت از ارزش‌های فردی
عدالت محوری	عدالت محوری
مشارکت‌پذیری فعالانه	ذیری همدلانه
مسئولیت‌پذیری آگاهانه فردی و اجتماعی	مسئولیت‌پذیری آگاهانه فردی
مشارکت در فرایندهای گفتگو (به صورت چهره به چهره)	مشارکت در فرایندهای گفتگوی مجازی
انتقال میراث فرهنگی	توسعه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی
افزایش بردباری و سطح تحمل	پرورش تفکر نقاد و توانایی ارزشیابی اندیشه‌ها
تبعیت از نظام آموزشی	تقویت میل به یادگیری مادام‌العمر
کسب سواد اجتماعی و آگاهی از مقررات اجتماعی	کسب سواد رسانه‌ای
کسب سواد کتابخانه‌ای	کسب سواد اطلاعاتی

پس از پاسخگویی به سؤال اول پژوهش در ادامه در پی ارائه پاسخ به سؤال دوم پژوهش بر فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی برای تربیت شهروندی تمرکز شده است:

فرصت‌های فضای مجازی برای تربیت شهروندی

از کلیدی‌ترین ابزارهای پژوهش، جستجوی وسیع اطلاعات است که در محیط اینترنت در

کم‌ترین زمان و با کم‌ترین هزینه و به آسان‌ترین روش امکان‌پذیر است. از طریق پژوهش می‌توان به آخرین دستاوردهای علمی-پژوهشی در زمینه آگاهی‌های مدنی، تجارب کاربردی در زمینه شهروندی، در سرتاسر دنیا دست یافت؛ و با تطبیق این تجارب با شرایط جامعه و عملی کردن آن‌ها، به اهداف تربیت شهروندی نزدیک شد. با گسترش دولت الکترونیک، اطلاعات بیشتری از زندگی خصوصی افراد به صورت نظام‌مند، نگهداری می‌شود و مسئولان می‌توانند در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان کشور از آن‌ها استفاده کنند. ظهور فناوری‌ها می‌تواند دامنه ارتباطات انسانی را در تمامی زمینه‌ها، گسترش و توسعه دهد و در ارتباطات مؤثر، نقش تسهیل‌گری ایفا کند. از این‌رو، فاوا به عنوان مهم‌ترین عنصر تعامل در جامعه جهانی مطرح است. در فضای مجازی فارغ از بعد مکان و زمان، ارتباطات انسانی برقرار می‌شود و به راحتی می‌توان در جمع دوستان و آشنایانی قرار گرفت که نیاز به ارتباط با آن‌ها وجود دارد.

اینترنت به مفهوم و حس مشارکت و تاثیرگذاری بازیگران، دست کم به دو دلیل قوت می‌بخشد: اول اینکه مردم احساس می‌کنند بیش از شیوه‌های ارتباط سنتی، وارد بازی می‌شوند؛ و دوم اینکه اینترنت به سازمان، تشکل یا گروهی که آن را به کار گرفته است، احساس یک عامل کارآمد و قدرتمند را می‌بخشد که قادر است در محیط زندگی‌اش تاثیرگذار باشد. علاوه بر آن اینترنت، احساس تعلق به یک گروه خاص؛ یا احساس تعلق به یک اجتماع ویژه را برای مردم فراهم می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳). از طریق مشارکت شهروندان در امور شهری در قالب ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، فرهنگ شهروندی رشد خواهد کرد، و احساس تعلق و تعهد در افراد جامعه نسبت به یکدیگر به وجود می‌آید. این فرهنگ تبدیل به روح جمعی جامعه می‌شود و موجبات وفاق ملی فراهم می‌شود. در سال‌های اخیر بسیار دیده شده است که راه‌اندازی کمپین‌های اینترنت بنیان در اتخاذ یک سبک زندگی ایده‌آل متناسب با فرهنگ، مناسبات حاکم بر جامعه، شرایط اقلیمی کشور در جهت حفظ محیط زیست که یکی از ابعاد شهروندی است، بسیار تاثیرگذار بوده است. به عنوان مثال به کمپین کاهش مصرف آب می‌توان اشاره کرد.

رسانه‌های اجتماعی با کارکردهای انتقال اطلاعات و استفاده از این فضا به عنوان یک فضای آموزشی می‌توانند در عملی کردن حیطه شناخت مدنی، فرصتی برای تربیت شهروندی باشند. در رسانه‌های اجتماعی از ابزارهای ارتباطی مختلف نظیر متن، طراحی گرافیک، عکس،

صدا، ویدئو، انیمیشن در کنار هم استفاده می‌شود و پیام‌ها به صورت اختصاصی به کاربران منتقل می‌شود، و کاربرمحور است. از این رو مطابق با نیاز و درخواست، انتقال پیام صورت می‌گیرد. بنابراین، از طریق ارتباط با سایت‌های آموزشی مناسب، می‌توان به مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و اطلاعات مدنی دست یافت. تعاملی بودن رسانه‌های اجتماعی زمینه‌پاسخگویی به درخواست‌های متکثر کاربران و مخاطبان را فراهم می‌کند. گسترش و تنوع زیاد کتاب‌های الکترونیکی با قیمت نازل، در کنار کتاب‌های کاغذی، مطالعه شهروندان را تسهیل کرده است. یکی از موضوعات بسیار مهم در زندگی انسان‌ها چگونگی گذران اوقات فراغت است. رسانه‌ها فارغ از محدودیت زمان و مکان می‌توانند امکاناتی برای یادگیری در اوقات فراغت فراهم کنند و شخص با توجه به موقعیت خود در هر زمان و مکانی از آن‌ها استفاده کند. هم چنین از طریق اینترنت می‌توان محیط فیزیکی اطراف خود را شناسایی کرد و از امکانات آن در اوقات فراغت استفاده کرد.

استفاده از فاوا باعث اعتلای میزان یادگیری، تسهیل فرایند یادگیری، عمق بخشیدن به یادگیری و همچنین باعث افزایش میل به فراگیری و در نتیجه افزایش انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود. این ابزار باعث خارج شدن کلاس از حالت خشک و سنتی شده و رغبت به یادگیری و حضور در کلاس را افزایش می‌دهد. به‌کارگیری فاوا، کسب آگاهی، تحصیل دانش و فراگیری مهارت‌هایی نظیر مهارت پرستگری را تسهیل و تسریع کرده است. از فواید استفاده از فاوا در تدریس می‌توان به استفاده از جذابیت‌های فناوری برای ایجاد انگیزه، تقویت حس همکاری و مشاورکت گروهی، امکان ارائه پرسش‌های باز پاسخ به دانش‌آموزان و تنظیم سرعت پیشرفت درسی دانش‌آموز توسط خود وی، فراهم شدن امکان یادگیری فعال و مستقل اشاره کرد (دابی‌زاده، حسین‌زاده و غزنوی، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۲). ایجاد انگیزه مشارکت و همکاری یکی از لوازم حیات مدنی و از ضروریات تربیت شهروندی است که قدرت تحمل نظرات مخالف از یک سو و بهره‌مندی از نظرات صائب و میل به تشریک مساعی برای رفع مشکلات اجتماعی را از سوی دیگر فراهم می‌آورد. جذابیت‌های فضای مجازی، آموزش را به صورت خودگردان درآورده و نوعی تعهد کاری را برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کند تا به صورت انفرادی تحقیق کرده، با چالش‌های پیش رو مواجه شده و با رویکردی انتقادی به انتخاب بهترین پاسخ‌ها موفق شوند. رشد عقلی - هیجانی - عاطفی از ویژگی‌های شهروندان مطلوب

هر اجتماع است.

اینترنت به مثابه یک حوزه عمومی با قابلیت‌های بی‌نظیر خود دگرگونی ژرفی نیز در اشکال مشارکت سیاسی ایجاد کرده که صاحب‌نظران از آن با عنوان ظهور اشکال جدید یا پست مدرن مشارکت سیاسی، در مقابل تضعیف اشکال سنتی آن یاد می‌کنند. اینترنت، شهروندان را توانا کرده است که برای طرح انتقادات و اعتراضات خود، به جای توسل به اشکال نامتعارف مشارکت سیاسی، همچون اعتراضات خیابانی، راهپیمایی‌های توده‌ای و تجمعات که معمولاً در بردارنده درجه‌ای از خشونت است، از طریق امضای طومارهای اینترنتی، طرح نظرسنجی‌های آنلاین، ارسال و دریافت ایمیل‌های اعتراضی، تجمعات مجازی، به راه انداختن طوفان‌های توییتری، ترندینگ یا جریان‌سازی مجازی، راه‌اندازی و مشارکت در کمپین‌های اینترنت بنیان و سایر اشکال ممکن به طرح تقاضاها و اعتراضات خود به شیوه‌ای بسیار مسالمت‌آمیز و در عین حال کارآمد مبادرت ورزند (استول، ۲۰۰۵: ۲۵۱-۲۵۰). به نقل از اشرف نظری و قلی‌پور، (۱۳۹۵). در چنین شرایطی، فضای دموکراسی حاکم می‌شود، که هر کس با هر تفکری می‌تواند صدای خود را به گوش دیگران برساند. احساس امنیت و آزادی بیشتر در فضای اینترنت، در صورت‌هایی از ارتباط که در فضای حقیقی دشوار یا غیر ممکن است، به وضوح تجلی می‌یابد و سبب مشارکت بیشتر افراد می‌شود و فرصت بی‌نظیری در اختیار نهادهای تصمیم‌گیرنده کشور قرار می‌دهد تا با شناخت آسیب‌ها و نقاط ضعف عملکرد خود از یک سو؛ و انتظارات و تقاضاهای مردم از سوی دیگر، در راستای پاسخگویی مناسب به تقاضاها، جلب رضایت و کسب حمایت‌های شهروندان خود گام برداشته، وحدت و انسجام ملی کشور را تضمین کنند. هر چند نظام‌های سیاسی بسته و غیر پاسخگو ممکن است آن را به عنوان یک چالش و یک مسأله امنیتی تلقی کنند. ویژگی انعطاف‌پذیری هویتی و گمنامی افراد در فضای مجازی امکان پیگیری فضایی را محدود می‌کند و این خود به احساس امنیت در این فضا دامن می‌زند. از این رو کاربر با رهایی از همه محدودیت‌ها، ممنوعیت‌های عرفی و قانونی، صدای خود را به گوش مسئولان می‌رساند. از این رو می‌توان گفت: فضای مجازی برای مشارکت سیاسی، به عنوان یکی از وجوه تربیت شهروندی، فرصت تلقی می‌شود. از طرف دیگر با طرح تقاضاها و اعتراضات به شیوه مسالمت‌آمیز مجازی، به تحقق وحدت

اجتماعی مورد نظر تربیت شهروندی کمک می‌کند؛ و در نهایت سبب افزایش سرمایه اجتماعی است. ارزانی اینترنت نسبت به رسانه‌های جمعی، این امکان را برای گروه‌های حاشیه‌ای، اقلیت و به‌طور کلی گروه‌های محروم‌تر به ویژه از لحاظ اقتصادی فراهم می‌کند تا صدای خود را با حداقل هزینه به گوش دیگران برسانند و این فرصتی برای تحقق مشارکت سیاسی در تربیت شهروندی است.

دین در جایگاه یکی از مقوله‌های حیات بشری و مهم‌ترین آن، راه خود را به فضای مجازی نیز باز کرده است. از این رهگذر صنعت ارتباطات و به خصوص فضای مجازی فرصت‌هایی را در اختیار افراد و هویت‌های دینی قرار داده است. ارتباطات و فضای مجازی امکان تعامل میان ادیان را ایجاد می‌کند و با تکیه بر مشترکات ادیان نوعی همگرایی پدید می‌آورد، فرصت‌هایی چون شناخت ضعف‌های فرهنگ دینی خود و در نتیجه زدودن آن‌ها، شناخت قوت‌ها در فرهنگ دینی دیگران و سعی در بهره‌مندی از آن‌ها و همچنین جذب و هضم آن‌ها، متناسب با جامعه دینی خود را در اختیار دین‌داران قرار می‌دهد (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۷۰). امروزه شاهد هستیم که مراجع و روحانیون حوزه‌های علمیه، دارای وبلاگ‌ها و وبسایت‌های رسمی هستند. جوانان، متناسب با نوع نیازهای دینی و مذهبی خود از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی استفاده می‌کنند. به این ترتیب بر شیوه و سبک دینداری آن‌ها تأثیر می‌گذارد و هویت دینی جوانان در بعد شناختی تقویت می‌شود.

تهدیدهای فضای مجازی برای تربیت شهروندی

هر چند اینترنت به گونه‌ای منحصر به فرد امکان بالقوه دسترسی به اطلاعات، عضویت در اجتماعات مجازی و تعامل در فضاهای جدید را فراهم ساخته است، اما این امر به معنای دسترسی واقعی و عملی همگانی به آن نیست. عوامل متعددی همچون محل سکونت، طبقه اجتماعی - اقتصادی، میزان تحصیلات و بسیاری عوامل دیگر در ایجاد میزان دسترسی افراد و گروه‌ها به اینترنت مؤثر است. در سطح ملی شکاف بین شهر و روستا، فقیر و غنی، باسواد و بیسواد، در میزان دسترسی به اینترنت به وضوح مؤثرند. این عوامل به بروز یک شکاف یا نابرابری منجر می‌شوند که ریشه آن را باید در نابرابری‌های مختلف موجود در جهان جستجو کرد. در مطالعات مربوط به اینترنت، از این پدیده با عنوان اختلاف طبقاتی دیجیتالی یا شکاف

دیجیتالی^۱ یاد می‌شود؛ به عبارت دیگر شکاف دیجیتال یعنی دسترسی نابرابر برخی از اعضای جامعه به فناوری اطلاعات و ارتباطات است (اشرف نظری و قلی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۷). آگاهی و مهارت لازم برای استفاده از اینترنت و وسایل نوین ارتباطی و اطلاعاتی، در همه افراد یکسان نیست. شکاف دیجیتالی در سطح جامعه، شکاف نسلی را دامن می‌زند و جامعه را به دو دسته تقسیم می‌کند، نسلی که مهارت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات را دارد؛ و نسلی که از این مهارت محروم است. شکاف نسلی تهدیدی برای انسجام خانوادگی، اجتماعی و ملی است و به نابرابری‌های اجتماعی دامن می‌زند. از سوی دیگر، همان‌طور که حجم زیاد اطلاعات و دسترسی آسان به آن‌ها برای اطلاعات علمی و مفید، یک فرصت تلقی می‌شود؛ دسترسی وسیع و آسان به اطلاعات غیر اخلاقی، موجبات حوادث غیر اخلاقی در فضای مجازی یا در فضای حقیقی را فراهم می‌کند. از آن جا که تربیت شهروندی با آموزش اخلاق و ارزش‌ها ارتباط نزدیکی دارد، از این رو رواج اطلاعات غیر اخلاقی در جامعه برای تربیت شهروندی تهدید محسوب می‌شود.

با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، بسیاری از فعالیت‌ها از محیط فیزیکی به فضای اینترنت انتقال یافته است و بسیاری از خدمات در سطح کشور از طریق اینترنت انجام می‌شود. از این رو تعدادی از مشاغل، کاربرد خود را از دست داده‌اند و صاحبان این مشاغل بیکار شده‌اند. بنابراین، تمامی افراد جامعه باید مهارت‌های لازم در به‌کارگیری فاوا را فرا بگیرند تا هم بتوانند از خدمات اینترنتی استفاده کنند و هم اینکه متناسب با شرایط جدید، در صورت لزوم، شغل مناسبی برای خود در نظر بگیرند. بیکاری افراد جامعه پیامدهای منفی بسیاری نظیر: تزلزل خانواده‌ها، اعتیاد، رواج مفاسد اخلاقی و... به همراه دارد. مسأله دیگری که اکثر آسیب‌شناسان به آن توجه کرده‌اند، مربوط به ویژگی‌های خاص تعاملات و ارتباطات در دنیای مجازی است، آن‌ها معتقدند که تعاملات مجازی در نهایت به انزوای اجتماعی و کاهش تعاملات کاربر در دنیای واقعی، به ویژه از لحاظ عمق و کیفیت منجر می‌شود و عموماً استفاده بیشتر از اینترنت با کاهش ارتباطات اجتماعی به خصوص از نوع ارتباطات نزدیک و صمیمی با اعضای خانواده و دوستان نزدیک همراه است (خدایاری، دانشور حسینی و سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۷۷). با سایه افکندن فضای مجازی بر زندگی شهروندان، صمیمیت، مردم‌داری، صله رحم که

مورد تأکید دین مبین اسلام است، فرصت ظهور کم‌تری دارد؛ به طوری که حتی در مهمانی‌ها بعضی افراد در دنیای شخصی خود غوطه‌ور هستند و تنها حضور فیزیکی دارند، به همین جهت ارتباط دوستانه و صمیمانه در جمع ندارند و این با دستورات دینی ما سازگاری ندارد که حتی نجوا کردن در جمع را نهی می‌کند. فراهم آوردن فضای مجازی برای ایجاد رابطه، افراد را از دردسر روبرو شدن با دیگران و قرار گرفتن در وضعیت جهان واقعی رها می‌کند، از این رو به تدریج روابط مجازی جایگزین روابط واقعی انسان‌ها در زندگی روزمره می‌شود؛ به عبارت دیگر با شکل‌گیری اجتماعات، در فضای مجازی بر مبنای فعالیت‌های اجتماعی مختلف، اجتماعات در جهان واقعی به تدریج کمرنگ و بی‌اهمیت می‌شود. درحالی که پیوندهای اینترنتی به ندرت به ترویج دوستی‌های عمیق، حمایت‌های عاطفی تأثیرگذار و ارائه کمک‌های مادی واقعی منتهی می‌شود و در نهایت می‌تواند به انزوای اجتماعی منجر شود.

اینترنت پیوندهای ضعیف شبکه‌ای را افزایش می‌دهد، اما از آنجا که به‌طور هم‌زمان تعاملات عمیق‌تر خارج از شبکه را کاهش می‌دهد، افق دید و چشم‌اندازهای فکری افراد را محدود می‌کند. « مک کوایل^۱ به خاصیت منزوی‌سازی رسانه‌ها به‌ویژه در رابطه با کودکان و نوجوانان توجه بسیار دارد. این توجه عمده به‌صورت نگرانی از استفاده بیش از حد و معتاد شدن به رسانه‌ها مطرح شده است، اغلب توجه شدید رسانه به‌ویژه وقتی شخص تنها است به معنی انزوا و جدایی و بیگانگی و فرار از واقعیت تلقی شده است. استفاده زیاد از رسانه وقت لازم برای کنش متقابل اجتماعی را از استفاده‌کننده می‌گیرد» (سلیمانی و کریمی، ۱۳۹۶: ۱۰۸). جاذبه زیاد اینترنت برای افراد به‌ویژه کودکان و نوجوانان، استفاده بیش از حد آن‌ها و معتاد شدن به رسانه‌ها سبب انزوای اجتماعی و رشد فردگرایی می‌شود، در حالی که در تربیت شهروندی افراد را برای مشارکت فعال و مسئولانه آماده می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت افزایش تعاملات شبکه‌ای به واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند تیغ دو لبه است که در سایه مدیریت صحیح می‌تواند در جهت افزایش سرمایه اجتماعی به کار رود و فقدان مدیریت صحیح، این امکان را به یک چالش جدی تبدیل می‌کند.

رسانه‌ها، سرعت و دامنه انتقال پیام را چندین برابر کرده‌اند، لذا همان‌طور که انتشار محتوای اخلاقی و تأثیرگذار برای تربیت شهروندی فرصت تلقی می‌شود، انتشار محتوای غیر



اخلاقی، اخبار کذب با هدف تخریب و تشویش اذهان و افکار عمومی، انتشار محتواهایی با اطلاعات دستکاری شده به منظور ایجاد برداشت ناصحیح، زمینه سوء ظن و عدم اعتماد دیگران را فراهم می‌کند؛ در حالی که تربیت شهروندی بر پایه اعتماد و صداقت متقابل میان شهروندان اجتماع شکل می‌گیرد. انتشار گسترده اخبار و رویدادها در سطح کشور و جهان، سطح آگاهی مردم را بالا می‌برد؛ ولی انتشار اخبار ناراحت کننده به خصوص در سطح کشور، می‌تواند موج ناامیدی و ناامنی را در میان شهروندان ایجاد کند. در حالی که در گذشته‌ای نه چندان دور، همه مردم در جریان همه اتفاقات قرار نمی‌گرفتند و آرامش بیشتری داشتند. «شبکه‌های اجتماعی از یک سو کارکردهایی چون اشتراک دانش، انتقال اطلاعات، گفتمان‌سازی، ایجاد همبستگی و تعامل سازنده دارند و از سوی دیگری می‌توانند کانون‌های شکل‌گیری گروه‌های بزهکار، کلاهبردار و هنجارشکن باشند و داده‌های موجود در آن‌ها منبع اطلاعاتی بسیار با ارزشی برای سازمان‌های جاسوسی و دولت‌های متخاصم باشند و منافع ملی کشورها را به مخاطره اندازند (خانیک و بابایی، ۱۳۹۰: ۹۱).

هویت افراد در اجتماعات مجازی هویتی دیجیتال، متزلزل و در حال تغییر است. منافع مقطعی، محدود و در حوزه موضوعات مختلف، افراد را دور هم جمع می‌کند و هویت آن‌ها را می‌سازد (بهرام‌پور، ۱۳۸۳، به نقل از حسینی و فمی تفرشی، ۱۳۸۵). با افزایش ارتباطات فرهنگ‌های مختلف، مرزهای فرهنگی بین کشورها فروریخته و افراد با گزینه‌های متعددی برای انتخاب روبرو شده‌اند. از این رو شکل‌گیری هویت، بسیار پیچیده‌تر از گذشته است. از طرف دیگر به سبب گسترش فضا پیوندهای سنتی میان افراد و موقعیت‌های اجتماعی آن‌ها سست شده و انتقال ارزش‌ها و آموزه‌ها از نسلی به نسل دیگر کمرنگ شده است. از این رو هویت فرهنگی که باید در قالب باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، سنت‌های افراد یک سرزمین شکل بگیرد، دچار بحران می‌شود، که برای تربیت شهروندی تهدید محسوب می‌شود.

تحولات سریع در حوزه فاوا و در نتیجه تغییرات پرشتاب اجتماعی سبب می‌شود تا هویت دینی نوجوان دستخوش تحولات سریع شود، زیرا به قول هانتینگتون^۱ به هنگام تغییرات پرشتاب اجتماعی، هویت‌های جا افتاده نیز از هم می‌پاشد، خود، دوباره تعریف می‌شود و هویت جدید شکل می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). جهانی شدن به سبب قدرت نرم‌افزاری

1. Huntington

که داراست، هویت‌یابی جوانان به ویژه هویت دینی آن‌ها را به چالش می‌کشد. نخستین چالش جهانی شدن و به عبارتی جهانی‌سازی، نسبتی است که جهانی شدن با سنت و ادیان بزرگ جهان و پیروان آن دارد؛ زیرا فرهنگ حاکم بر فرایند جهانی شدن از سوی مبتنی بر تغییر و نوآوری، تجددگرایی و توجه به نسل جوان و تکیه بر خواسته‌ها و امیال اوست؛ و از سوی دیگر به سنت و دین با نگاه قهرآلود می‌نگرد. از این منظر ادیان الهی که بر سنت‌ها، قوانین و شریعت تکیه دارند با این تمدن در چالش خواهند بود (ماهرزاده، ۱۳۹۲: ۱۴۰). واگرایی دینی و کمرنگ شدن دین در زندگی مردم از جمله تأثیرات منفی ارتباطات بر هویت‌های دینی است. نسبت‌گرایی، بی‌اعتنایی به فرهنگ خودی و آمیختن غیر منطقی عناصر مختلف ادیان با هم، به ظهور معجون دینی ناهماهنگ منجر می‌شود (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۷۰). در فضای مجازی مباحث اعتقادی بسیاری مطرح می‌شود، از این رو فرار گرفتن کاربر، در معرض شبهات اعتقادی بسیار محتمل است. در صورتی که کاربر با مطالعه منابع دینی یا مراجعه به متخصصان در جهت رفع شبهات اقدام کند، علاوه بر رفع شبهه، قدرت پایه‌های اعتقادی او بیشتر می‌شود؛ ولی تعدد این شبهات در فضای مجازی، انگیزه کاربر را در یافتن پاسخ آن‌ها ضعیف می‌کند و به تدریج بر باورهای مذهبی فرد تأثیر نامطلوب می‌گذارد.

عده‌ای قرن بیست و یکم را قرن فرهنگ و پارادایم‌های فرهنگی می‌دانند. نظریه امپریالیسم فرهنگی که، فرایند جهانی شدن را در خدمت گسترش نوعی فرهنگ مصرفی می‌داند؛ یک روایت بسیار آشنا را در پی دارد، اینکه جهانی شدن یعنی غربی کردن و فرایندهای جهانی در خدمت تحمیل فرهنگ غربی بر دنیای غیر غربی است (صالحی امیری و حسین زادگان، ۱۳۸۹: ۲۲). امپریالیسم فرهنگی سبب می‌شود تا فرهنگ‌های ملی در حاشیه قرار گیرند و کنار گذاشته شوند. بروز بحران‌های هویتی و فرهنگی و نفی استقلال فرهنگی از تبعات امپریالیسم فرهنگی است. از سوی دیگر می‌توان گفت در فرایند جهانی شدن، جوامع می‌توانند با وجود همکاری‌های اقتصادی، خصوصیات فرهنگی خود را حفظ کنند و با استفاده از روابط تعاملی بین فرهنگ‌های مختلف، با مبادله اطلاعات، فرهنگ‌ها را غنی کنند. بنابراین، جهانی شدن در بعد فرهنگی در صورت تعامل فرهنگی، که به غنای فرهنگی منتهی شود، برای تربیت شهروندی فرصت تلقی می‌شود و در صورت تهاجم فرهنگی که موجبات انقطاع از فرهنگ خودی را فراهم می‌آورد، تهدیدی جدی محسوب می‌شود. از آنجا که ایجادکنندگان و



پیام فرستندگان و برنامه‌سازان این تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی، عمدتاً کشورهای توسعه‌یافته غربی هستند^۱، تعجبی هم ندارد که انبوه فیلم‌ها و سایت‌های پرمخاطب آن‌ها با عرضهٔ هنجارهای متفاوت و بعضاً متعارض، هویت فرهنگی، دینی، قومی و ملی کشورهای مصرف‌کننده را تحت تأثیر قرار داده و تضعیف کنند. بنابراین، ظهور اقتصاد فرهنگی و مبادلهٔ کالاهای فرهنگی - تجاری که از ابعاد اقتصادی - فرهنگی جهانی شدن است، برای تربیت شهروندی تهدید محسوب می‌شود.

نکتهٔ دیگری که در رابطه با تربیت شهروندی برای فضای مجازی به عنوان یک تهدید لحاظ می‌شود، مقولهٔ عدالت اجتماعی است. چنانچه فضای مجازی را به عنوان یک مدنیت جدید بپذیریم؛ همچون شهروندی فضای حقیقی یکی از زیربنایی‌ترین اصول شهروندی، رعایت عدالت اجتماعی خواهد بود. عدالت اجتماعی با گستره‌ای به پهنای جهان، اما «سؤالی که در این باره ایجاد می‌شود این است که آیا شهروندی جهانی با محوریت عدالت اجتماعی امکان‌پذیر و مطلوب است؟ شهروندی جهانی، به عنوان عدالت اجتماعی، در بستر تاریخی و جغرافیایی ساخته می‌شود و بنابراین، چنانچه بخواهیم یک تعریف واحد برای شهروندی جهانی پیدا کنیم ممکن است دچار بی‌عدالتی در تشخیص شویم و برخی ویژگی‌های جهانی را ارزشمندتر از برخی دیگر بدانیم. ثانیاً، چه کسی حق دارد تصمیم بگیرد که یک تربیت شهروندی جهانی با محوریت عدالت اجتماعی چگونه باید باشد؟ به عبارت دیگر، چرا برخی افراد حق دارند در تصمیم‌گیری دربارهٔ اینکه شهروندی جهانی با محوریت عدالت اجتماعی چه هست و چه نیست، نفوذ و تأثیر قوی‌تری داشته باشند؟ ثالثاً، چنانچه شهروندی جهانی با محوریت عدالت اجتماعی را از منظر دیدگاه‌های متفاوت و بدیل در نظر بگیریم، چگونه مطمئن شویم که این تفاوت‌ها، نابرابری را افزایش نخواهد داد؟ به طور مثال، در تلاش برای اطمینان از اینکه همهٔ زبان‌ها به‌طور یکسان دارای ارزش هستند و محافظت می‌شوند، چنانچه هریک از ما، بچه‌های خود را تنها با زبان مادری آموزش دهیم، بچه‌هایی که زبان شان غالب است (مثل انگلیسی، عربی، اسپانیایی) احتمالاً به منابع بیشتری دسترسی خواهند داشت»؟ (سانت، دیویس، پاشبای و شولتز، ۲۰۱۸: ۹۷) از نظر مکی‌تایر، تلاش برای ایجاد یک تصویر جهانی از عدالت اجتماعی به خودی خود نامطلوب و ناعادلانه است. این

۱. این همان نکته ای است که رهبر انقلاب در سخنرانی هفته دولت سال ۱۳۹۹ دولت مردان را به آن توجه دادند، این که فضای مجازی از خارج از سرزمین ما مدیریت می‌شود...

معضل به گونه‌ای است که برخی رابطه عدالت اجتماعی و آموزش را غیرممکن توصیف کرده‌اند (بیستو، ۲۰۱۶). وقتی که نمی‌توانیم نسبت به معنای عدالت اجتماعی تصمیم بگیریم، چگونه می‌خواهیم یک تعلیم و تربیت مبتنی بر عدالت اجتماعی داشته باشیم؟ و اگر تصمیم بگیریم، آیا ما با تحمیل دیدگاه‌های خود درباره عدالت اجتماعی بر دیگران، در تعهد خود نسبت به عدالت اجتماعی شکست نخورده‌ایم.

جدول ۲: فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی برای تربیت شهروندی

فرصت‌های فضای مجازی برای تربیت شهروندی	تهدیدهای فضای مجازی برای تربیت شهروندی
استفاده از دانش نظری و تجارب عملی کشورهای موفق در زمینه تربیت شهروندی	امپریالیسم فرهنگی و مخدوش شدن کنترل دولت‌ها بر ورود کالاهای فرهنگی از مرزهای ملی
استفاده نهادهای آموزشی از ابزارهای فضای مجازی برای آموزش مؤلفه‌های شهروند مطلوب	قرار گرفتن خواسته یا ناخواسته کاربر در معرض فضاهای نامطلوب
تسهیل و افزایش دسترسی به فضای مطلوب، ارزان و متنوع مطالعاتی	اقبال و اکتفا کردن شهروندان به اطلاعات به جای دانش (آگاهی‌های سطحی و متنوع به جای دانش عمیق و استدلالی)
ایجاد زمینه مشارکت فعال شهروندان	جسایگزین شدن روابط مجازی شهروندان به جای روابط حقیقی (انزوای اجتماعی)
تسهیل یادگیری مادام‌العمر	اختلاف طبقاتی دیجیتال و نقض عدالت اجتماعی
تسریع در طرح تقاضاها و اعتراضات مردمی به شیوه بسیار مسالمت‌آمیز	تسهیل در امکان شکل‌گیری گروه‌های بزهکار، کلاهبردار و هنجارشکن
گسترش دولت الکترونیک	تضعیف اقتدار دولت در کنترل خبرها و اطلاعات امنیتی و حفظ آرامش عمومی
تعامل پیروان ادیان در فضای مجازی	درگیر شدن شهروندان با شبهات اعتقادی
تسریع و افزایش دامنه ترویج محتوای اخلاقی، آموزشی در جهت افزایش آگاهی و بهبود شیوه عملکرد شهروندان	انتشار محتوای غیراخلاقی با سرعت و دامنه زیاد و افزایش پیامدهای ناخوشایند برای روابط خانوادگی

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه ارتباطات وسیع و تعاملات انسانی گسترده در نگاه به تربیت شهروندی تغییراتی را ایجاد کرده است. برای تربیت شهروند ملی، آگاهی از پیشینه تاریخی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی جامعه ضروری است. در سایه این آگاهی فرد می‌تواند ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی جامعه خویش را درونی کرده و در راستای اصلاح و پیشرفت جامعه قدم بردارد و با مشارکت فعال در زندگی اجتماعی در رفع مشکلات جامعه بکوشد. شهروندان در سایه تربیت شهروندی به شناخت، توانایی و نگرش مدنی دست می‌یابند. لزوم تربیت شهروندی در فضای حقیقی به جهت ضرورت مسئولیت‌پذیری تمام اعضای جامعه، در قبال یکدیگر است. تعهد اجتماعی متناظر با معیارهای اصیل انسانی در فضای حقیقی، به تعهدهای فردی در فضای مجازی تبدیل می‌شود. این فضایی، بدون دسته‌بندی‌های ارزشی و با مرزهای اعتقادی و فرهنگی لرزان و بی‌ثبات است، از این رو شهروند فضای مجازی با فرهنگی مواجه می‌شود که با معنای فرهنگ در فضای حقیقی متفاوت و حتی شاید در تعارض است. لذا می‌توان گفت فضای مجازی از یک سو به گسترش فضای خصوصی متناسب با ویژگی‌های اختصاصی کاربر، فردگرایی و جمع‌گریزی کمک می‌کند و از سوی دیگر، تعاملی بودن ارتباطات و نظارت‌پذیری کم‌تر و احساس آزادی گسترده‌تر در این فضا، امکان گفتگو و ابراز وجود در این فضا را گسترش داده، به نیاز اجتماعی بودن انسان پاسخ می‌دهد. شبکه ریزومی فضای مجازی با ارتباطات چندگانه، کثرت‌گرایی را برای انسان به همراه می‌آورد، به طوری که ارتباط‌های گسترده فرهنگ‌های مختلف، هویت افراد را در قالب‌های تازه‌ای شکل می‌دهند و هویت‌های چندگانه برای شهروند مجازی رقم می‌زنند. از این منظر در فضای مجازی ارزش‌ها، متغیر، متکثر و فردی هستند و هر فرد بنا به تشخیص خود عمل می‌کند. روح حاکم بر فضای مجازی باعث می‌شود تا تربیت به معنای عام آن متناسب با نظام معیار و مبتنی بر مبانی فلسفی بومی نباشد، و به طور خاص صورت نوینی از تربیت شهروندی رخ بنماید. بنابراین، تعلیم و تربیت به عنوان فرآیندی هدفمند، در فضای مجازی تکیه‌گاه مستحکمی ندارد و نمی‌توان اهداف مشخصی برای آن در نظر گرفت. ویژگی بیرونی بودن مدیریت این فضا، استعمارگرایی و اقتدارگرایی نهفته‌ای را به نمایش می‌گذارد که مستعمره آن به جای مرزهای جغرافیایی، مرزهای فرهنگی و ذهنی انسان‌هاست.

اگرچه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در فضای حقیقی، یعنی داشتن آگاهی و اطلاعات، پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، قانون‌مداری، عدالت‌محوری، مشارکت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری آگاهانه، برای شهروندان مجازی هم مطلوب است، ولی ویژگی‌های فضای مجازی سبب می‌شود که این مؤلفه‌ها بر مبنای تشخیص فردی شهروندان اعمال شود. لذا به جای افزوده شدن فضای مجازی به فضای حقیقی حیات اجتماعی ملت‌ها، در پاره‌ای مواقع این فضا به حیات خلوتی برای تعاملات نامطلوب با تبعات ناشایست فردی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تبدیل می‌شود. این مهم ناشی از عوامل بسیاری است از جمله ناباوری به اینکه فضای مجازی یک فضای اجتماعی و تعاملی است که بخش عمده‌ای از زندگی روزانه اعضای جامعه حقیقی را به خود اختصاص می‌دهد، و مانند آن مستلزم توجه به مقوله تربیت شهروندی است.

چهار مؤلفه دیگر شامل پرورش شهروند نقاد، تمایل به یادگیری مادام‌العمر، کسب سواد اطلاعاتی و کسب سواد رسانه‌ای هم در ردیف مؤلفه‌های مطلوب تربیت شهروندی در فضای مجازی قرار می‌گیرند. در عصر انفجار اطلاعات و تغییرات سریع فناوری، یادگیری مداوم از نیازهای اساسی شهروندان مجازی است که می‌تواند متناسب با تغییرات روزمره زندگی و همراه با آن‌ها و با به روزرسانی اطلاعات انجام شود.

در دنیای مجازی افراد مجازی حضور دارند، افرادی که به راحتی نمی‌توانیم از هویت واقعی آن‌ها مطلع شویم. آن‌ها می‌توانند خود را به صورتی معرفی کنند که دوست دارند، اطلاعات غیر واقعی در اختیار ما بگذارند و به اطلاعات شخصی ما دسترسی پیدا کنند و با کلاهبرداری یا استفاده غیر اخلاقی از آن‌ها به اهداف شوم خود نزدیک شوند. در دنیای مجازی افراد با هویت‌های کاذب به راحتی می‌توانند حرمت افراد را زیر پا بگذارند، ارزش‌های فرهنگی و دینی را زیر سؤال ببرند، ایجاد شبهه کنند و مفاسد بسیار دیگری را نشر دهند. این در حالی است که افراد جامعه در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی، در سطوح سنی غیر یکسان، با اطلاعات زمینه‌ای متفاوت در معرض این محتواها قرار می‌گیرند و پیامدهای منفی برای تربیت شهروندی خواهد داشت. بنابراین، ضرورت تجهیز شهروندان دنیای مجازی به ابزار تفکر انتقادی بسیار بیشتر از شهروندان دنیای حقیقی آشکار می‌شود.

در این برهه از زمان مفهوم شهروندی با مهارت زندگی در سطح ملی و محلی و همچنین

با مهارت زندگی در جامعه جهانی ارتباط دارد. بنابراین، آموزش‌های شهروندی باید به گونه‌ای باشد که تربیت شهروند جهانی نیز محقق شود. تربیت شهروند محلی، ملی و جهانی و مهارت‌های زندگی انسانی از طریق آموزش درست اندیشیدن، باید به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های تربیت شهروندی باشد.

در مجموع، به عنوان پیشنهادها راهبردی پایانی می‌توان گفت: امروزه چیرگی فاوا بر تمامی عرصه‌های زندگی به گونه‌ای است که لازم است با برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت و با مدیریت صحیح از امکانات بی‌شمار آن استفاده کنیم و برای مصون ماندن از تهدیدات آن تدابیری اندیشمندانه اتخاذ کنیم. طراحی برنامه‌های درسی برای تربیت شهروند مجازی در کنار تدوین قوانین شهروندی خاص برای این فضا، و سازو کارهای نظارتی کارآمد برای آن از جمله وظایف دولت‌ها در عصر فناوری اطلاعات و شهروندی جهانی است. سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی نیز از ابزارهای لازم در فضای مجازی است که از طریق آن می‌توان به شناخت و درک چرایی پیام‌ها و مهارت‌های لازم برای استفاده مؤثر از منابع اطلاعاتی دست یافت؛ این مهم در کنار لزوم تجهیز شهروندان فضای مجازی به ابزار تفکر انتقادی، شاید حتی بیشتر از شهروندان فضای حقیقی مطرح شود. باید افراد را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن حاضر، آماده کنیم و غفلت از این وظیفه مهم، زمینه جذب گروه‌های وسیع جامعه به فرهنگ و سبک زندگی بیگانه و بسیاری مشکلات و معضلات پنهان و آشکار را فراهم می‌کند. در این راه ابتدا باید آگاهی‌های لازم به شهروندان داده شود، تا در سایه همدلی آن‌ها، راه‌حل‌های قانونی با ضمانت اجرایی بالا، اثرگذار باشند.

منابع

- اشرف نظری، علی و قلی‌پور، مجتبی (۱۳۹۵). کنش‌ها و تعاملات قومی در فضای مجازی: فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ۲۷(۸): ۴۲-۱.
- اکبری تبار، علی‌اکبر و اسکندری پور، ابراهیم (۱۳۹۲). رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی. تهران: مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال.
- الوانی، سید مهدی، خنیفر، حسین، حاجی ملا میرزایی، حامد و میری، سیدمهدی (۱۳۹۳). ارائه چارچوبی برای نظام و محدوده خط‌مشی‌گذاری تصمیم‌گیری و عمل در فضای

- مجازی، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۳(۱۱)۳۳-۶۱.
- امام وردی، داوود و نیستانی، محمدرضا (۱۳۹۲). تفکر انتقادی، مبانی و مؤلفه‌ها. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- برخورداری، مهین و جمشیدیان، عبدالرسول (۱۳۸۷). تربیت شهروندی. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- بصیریان، حسین و بصیریان، رضا (۱۳۸۵). درآمدی به سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی، مجله رسانه، ۶۸: ۳۳-۵۰.
- بناهان، مریم (۱۳۹۵). مرجعیت‌زدایی پساساختارگرا در تربیت اخلاقی با رویکردی انتقادی از منظر اسلام، اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۲(۱): ۱۸۹-۲۰۹.
- چناری، مهین (۱۳۸۷). روش سقراطی به منزله راهبردی برای تربیت شهروندی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۷(۱۲۷): ۱۵۵-۱۳۷.
- حسنوی، رضا و فمی تفرشی، شیدا (۱۳۸۵). تأثیر جامعه اطلاعاتی بر انسجام اجتماعی، ماهنامه علمی آموزشی تدبیر، ۱۷۵: ۳۱-۲۵.
- خانیکی، هادی و بابایی، محمود (۱۳۹۰). فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی، مفهوم و کارکرد، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، ۱(۱): ۹۶-۷۱.
- خدایاری، کلتوم، دانشور حسینی، فاطمه و سعیدی، حمید (۱۳۹۳). میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۱(۷۷): ۱۹۲-۱۶۷.
- دایی زاده، حسین، حسین زاده، بابک و غزنوی، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی نقش ICT بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمشمار، ۴: ۸۱-۹۷.
- ربیعی، علی (۱۳۸۷). رسانه‌های نوین و بحران هویت، فصلنامه مطالعات مکتبی، ۴(۳۶): ۱۷۶-۱۴۹.
- زکی، محمدعلی (۱۳۹۵). اینترنت و هویت در ایران تحلیل ثانویه تحقیقات کمی موجود طی سال‌های ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۵، فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات، ۳(۱۲): ۱۸۵-۲۰۶.
- سبحانی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: یسپرون.
- سجادی، سید مهدی و ایمان‌زاده، علی (۱۳۹۱). تبیین و تحلیل دلالت‌های تربیتی دیدگاه معرفت‌شناختی ژیل دلوز و نقد دلالت‌های آن برای تعلیم و تربیت، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴(۸): ۸۰-۵۳.

- سلیمانی، ندا و کریمی، لاله (۱۳۹۶). تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سطح اعتماد به نفس جوانان، رسانه، ۲۸ (۲ و ۱): ۱۰۱-۱۱۸.
- شرفی، محمدرضا و طاهرپور، محمدشریف (۱۳۸۷). نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی. ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۲ (۱۶ و ۱۵): ۴۹-۶۲.
- صالحی امیری، رضا و رجبی، سید مسعود (۱۳۸۷). ضرورت سواد رسانه‌ای، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- صالحی امیری، سیدرضا و حسین زادگان، زهره (۱۳۸۹). جهانی شدن فرهنگی و تأثیرات آن بر فرهنگ ایرانی، مجله پژوهشنامه، ۵۷: ۴۶-۹.
- طبرسا، غلامعلی، شریفی، صدیقه و حسینی، سید احمد (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سواد اطلاعاتی کارکنان بر چابکی سازمان، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، ۸ (۲): ۱۱۳-۱۳۶.
- عدلی پور، صمد، قاسمی، وحید و میر محمد تبار، سید احمد (۱۳۹۳). تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران ۱ (۷): ۱-۲۸.
- فرمehنی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). تربیت شهروندی، چاپ اول، تهران: آبیژ.
- فرمehنی فراهانی، محسن (۱۳۹۰). تربیت در نهج البلاغه، تهران: آبیژ.
- فرمehنی فراهانی، محسن (۱۳۹۵). الگوی تربیت شهروندی فضیلت‌های ارتباطی الگویی برای تربیت سیاسی و اجتماعی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۴ (۳۱): ۹۰-۶۷.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵ (۱۷): ۱۸۳-۱۸۳.
- ماهرزاده، طیبه (۱۳۹۲). جهانی شدن و هویت‌یابی دینی نوجوانان، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، ۸ (۱۶): ۱۶۲-۱۳۹.
- محمدی، مهدی، مرزوقی، رحمت‌اله، ترک‌زاده، جعفر، سلیمی، قاسم و حدادنیا، سیروس (۱۳۹۵). برنامه درسی آموزش عالی مبتنی بر رویکرد آموزش مادام‌العمر - رویکرد کیفی، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۷ (۱۳): ۷۷-۳۷.
- مصطفوی، محمدحسن (۱۳۹۰). جهانی شدن و فرهنگ با نگاهی به اثرات آن بر جوانان ایران اسلامی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۵ (۵۳ و ۵۴): ۴۳-۲۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). عدل الهی، مجموعه آثار جلد اول. تهران: صدرا.
- منافی شرف‌آباد، کاظم، زمانی، الهام و مهدوی‌خواه، علی (۱۳۹۴). تربیت شهروند جهانی در بستر نظام آموزش و پرورش، مجله مهندسی فرهنگی، ۹ (۸۴): ۱۰۵-۸۴.

- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۳). اینترنت و حوزه عمومی، رسانه، ۱۵(۳): ۱۱۱-۱۳۱.
- Adlipour, S. و Ghasemi, V. and Mir Mohammad Tabar, S. A. (2014). The Impact of Facebook Social Network on the Cultural Identity of Youth in Isfahan, *Cultural Research*, 7(1): 1- 28(Text in Persian)
- Akbari Tabar, A. A and Eskandaripour, E. (2013). Social Media and Social Cyberspace, Tehran, *Center for Information Technology Development and Digital Media*.(Text in Persian)
- Alvani, M. Khanifar, H. Haji Mullah Mirzaei, H. and Miri, S. M. (2014). Providing a framework for the system and scope of decision-making and action, in *cyberspace, Social-Cultural Strategy*, 3(11): .33-61 (Text in Persian).
- Ashraf Nazari, A. and Gholipour, M. (2016). Ethnic Actions and Interactions in Cyberspace: Opportunities and Challenges, *International Political Research*, 8 (27), 42-1. (Text in Persian)
- Banahan, M. (2016). Poststructuralist De-Authorization in Moral Education with a Critical Approach from the Perspective of Islam, *New Educational Thoughts*, 12(1): 189-207. [Text in Persian]
- Barkhordari, M. and Jamshidian, A. (2008). *Citizenship Education*, Isfahan: Academic Center for Education, Culture and Research in Isfahan University. [Text in Persian]
- Basirian, H. and Basirian, R. (2006). Introduction to Media Literacy & Critical Thinking, *Media*, 17(4): 50-33(Text in Persian).
- Biesta, G. (2016). Say you want a revolution Suggestions for the impossible future of critical pedagogy. In A. Darder, P. Mayo & J. Paraskeva (Eds). *International Critical Pedagogy Reader* (pp. 317-26). New York: Routledge.
- Boru, T. (2018). *The Impact of Industry Concentration on Performance Exploring a Comprehensive Bank*, Chapter Five Research Design and Methodology, PHD Thesis, University of South Africa.
- Chenari, M. (2008). The Socratic Method as a Strategy for Citizenship Education, *Educational Innovations*, 7(127): 155-137. [Text in Persian]
- Daeizadeh, H. Hosseinzadeh, B. Ghaznavi, M. R. (2010). The role of ICT on the academic performance of high school students, *Leadership and Educational Management*, 3(9): 81-97. [Text in Persian]
- Farmahini Farahani, M. (2010). *Citizenship Education*. Tehran: Ayizh. [Text in Persian]
- Farmahini Farahani, M. (2011). *Training in Nahj al-Balagheh*, Tehran: Ayizh. [Text in Persian]
- Farmahini Farahani, M. (2016). The Model of Citizenship Education Communication Virtues A Model for Political and Social Education, *Researches in Islamic Education*, 24(31): 90-67. [Text in Persian]
- Geboers. E., Geijsel, F., Admiraal, w. and Dam, G.T. (2013). Review of the effects



- of citizenship education, *Educational Research Review*, (9): 158-173.
- Ghaedi, Y. (2006). Educating the Future Citizen, *Educational Innovations*, 50 (17): 209-183 (Text in Persian).
- Goren. H. and Yemini, M. (2017). Global citizenship education redefined – A systematic review of empirical studies on global citizenship education, *International Journal of Educational Research*, (82): 170-183.
- Gutek, G. L. (2015). *Philosophical Schools and Educational Opinions*, Translated by Pakseresht, M.J, Tehran: Samat. (Text in Persian).
- Hahn, C. L. (2016). Pedagogy in citizenship education research: a comparative perspective. *Citizenship Teaching & Learning*, 11(2): 121-37.
- Hasnavi, R. and Fami Tafreshi, Sh. (2006). The effect of information society on social cohesion, *Tadbir*, (175): 31-25. (Text in Persian).
- Imam Verdi, D. and Neyestani, M. R. (2013) Critical Thinking, Principles and Components, *Isfahan: University of Isfahan*. (Text in Persian).
- Khaniki, H. and Babaei, M. (2011). Cyberspace and Social Networks, Concept and Function, *Information Society Studies*, 1(1): 96-7. [Text in Persian]
- Khodayari, K., Daneshvar H. F. Saeedi, H. (2014). The extent and type of use of virtual social networks Case study of students of Mashhad Azad University, *Communication Researchs*, 77(21): 192-167 (Text in Persian).
- Mahroozadeh, T. (2013). Globalization & Religious Identity of Adolescents, *Islamic Education*, 8(16):162-139. [Text in Persian]
- Manafi Sharafabad, K.; Zamani, E. and MahdaviKah, A. (2015). Educating the World Citizen in the Education System, *Cultural Engineering*, 90(84):105-84. (Text in Persian).
- Mehdizadeh, S. M. (2004). Internet & Public Domain, *Resaneh*, 15(3): 111-131.
- Memar, S., Adlipour, S., and Khaksar, F. (2012). Virtual Social Networks and Identity Crisis (with Emphasis on Iran's Identity Crisis) *Social Studies and Research in Iran*, 1(4):176-155 (Text in Persian).
- Merry, M.S. (2018) Can schools teach citizenship?, *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 41(1): 124-138, DOI: 10.1080/01596306.2018.1488242.
- Mohammadi, M., Marzooqi, R., Torkzadeh, J., Salimi, Gh. and Hadadnia, S. (2016) Higher Education Curriculum Based on Lifelong Learning Approach - Qualitative Approach, *Higher Education Curriculum Studies*, 7(13): 77-37. (Text in Persian)
- Mostafavi, M. H. (2011). Globalization & Culture with a Look at Its Effects on the Youth of Islamic [Republic of] Iran, *Cultural Engineering*, 50(53&54): 43-27. (Text in Persian)
- Motahari, M. (1998) *Divine Justice, Collection of Works*, Tehran: Sadra (Text in Persian)

- Rabiee, A. (2008). New Media and Identity Crisis, *National Studies*, 9(4): 176-149(Text in Persian).
- Sajjadi, S. M. and Imanzadeh, A. (2012). Explaining and Analyzing Educational Implications of Gilles Deleuze's Epistemological Perspective and Critique of Its Implications for Education, *New Educational Thoughts*, 8(4): 80-53(Text in Persian).
- Salehi Amiri, R. and Rajabi, S. M. (2008). The Necessity of Media Literacy, Strategic Research Institute, *Cultural and Social Research Group*
- Salehi Amiri, S. R. and Hosseinzadegan, Z. (2010). Cultural Globalization and Its Impacts on Iranian Culture, *Research*, (57): 9-46(Text in Persian).
- Sant, E., Davies, I., Pashby, K. and Shultz, L. (2018). *Global Citizenship Education: a critical introduction to key concepts and debates*. London, New York. Oxford. New Delhi. Sydney: Bloomsbury Academic.
- Schultz, W. Ainley, J. Fraillon, J. Kerr, D. and LositoInitial, B. (2010). *Findings from the IEA International Civic and Citizenship Education Study*, Amsterdam: International Association for the Evaluation of Educational Achievement (IEA).
- Sharafi, M. R. and Taherpour, M. Sh. (2008) The role of educational institutions in citizenship education, *Cultural Engineering*, 2(15&16): 49-64. [Text in Persian]
- Sobhaninejad, M. (2011). *Sociology of Education*, Tehran: Yastoroon. Soleimani, N. and Karimi, L. (2017). The Impact of Using Social Networks and the Level of Youth Confidence, *Resaneh*, 28(2): 101- 117(Text in Persian).
- Tabarsa, G.A., Sharifi, S. and Hosseini, S. A. (2016). The effect of employees' information literacy on organizational agility, *Human Resource Management Research, Imam Hossein University*, 8(10): 136-113(Text in Persian).
- Tores, C.A. (2015). Global citizenship and global universities. The age of global interdependence and cosmopolitanism. *European Journal of Education*, 50(3): 262-79.
- Vanessa de Oliveira Andreotti (2011) (Towards) decoloniality and diversality in global citizenship education. *Globalisation, Societies and Education*, 9(3-4): 381-397.
- Yarmohammadian, M. H., Foroughi, A. A., Jafari, E. and Qaltash, Abbas (2008) A Critique of Curriculum Elements in Progressive & Conservative Approaches to Citizenship Education, *Educational Sciences: Research in Curriculum Planning*, (17&18): 48 -27(Text in Persian)
- Yeji, Kim. (2019) Global citizenship education in South Korea: ideologies, inequalities, and teacher voices. *Globalisation, Societies and Education*, 17(2): 177-193.
- Zaki, M. A. (2016). Internet and Identity in Iran Secondary Analysis of Quantitative Research Available from 2003 to 2016, *Information and Communication Book Review*, 3(12): 185-206(Text in Persian).

Comparative comparison of the components of citizenship education in virtual and real space looking at opportunities and threats

Leyla Davoodian¹, Maryam Banahan ^{*2} and Ali Sattari³

Abstract

The purpose of this study is to explain the components of citizenship education in cyberspace by comparing it with citizenship education in real space and analyzing the opportunities and potential threats of cyberspace for citizenship education. Research method is explanatory- analytic. The results showed that with the expansion and pervasiveness of cyberspace, a certain type of citizenship occurs with specific components which require special training in accordance with its specific components. Cyberspace citizen takes on components and characteristics in the realm of behaviour and identity because of his presence and participation in a network of virtual interactions that have variable identities and multiple features. The social commitment of real space which is accompanied by ethical valuations becomes completely individual in cyberspace where a systematic structure of values is not provided. Desirable citizen in cyberspace in addition to media and information literacy requires components such as awareness, adherence to cultural values and norms, rule-of-law, Pivotal justice, participation and informed responsibility. Educating the citizen of cyberspace helps to cultivate the citizen of criticism and strengthens the desire for lifelong learning, by using the distinctive features of cyberspace for education, research, and spending high quality leisure time, for paving the way for active participation in social affairs. Therefore, in order to reduce threats and take advantage of opportunities as much as possible, it is necessary to know the specific components of citizenship education in cyberspace.

Key words: *Citizen Education, real space, cyberspace, opportunities, threats*

-
1. Graduate of History and Philosophy of Education, Al-Zahra University, Tehran, Iran. davoodianleyla@gmail.com
 2. Corresponding Author: Assistant Professor of Educational Management and Planning, Al-Zahra University, Tehran, Iran. banahan@alzahra.ac.ir
 3. Assistant Professor, Department of Management and Educational Planning, Al-Zahra University, Tehran, Iran. alisattari@alzahra.ac.ir
- DOI: 10.22051/jontoe.2020.31241.3038
https://jontoe.alzahra.ac.ir/article_5202.html